

بررسی تحولات شهر اسفراین کهن در دوره‌ی اسلامی با تأکید بر ساختار فضایی

بی‌تا سودائی^۱محمد محمدی^۲

چکیده

اسفراین یکی از شهرهای خراسان بزرگ است که بر سر شاهراه مهم ارتباطی شرق به غرب قرار دارد. بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین استقرار باستانی این منطقه بقایای شهر اسلامی اسفراین کهن است که در سده‌ی اخیر به نام شهر بلقیس معروف شده است. شهر اسفراین کهن در سه کیلومتری جنوب شهر اسفراین کنونی قرار دارد و مساحتی بالغ بر ۲۰۰ هکتار را شامل می‌شود و شامل فضاهای قدیمی مانند ارگ حکومتی، شارستان، بخش‌هایی از حصار شهر، خندق، منار تپه، ریض و غیره است. متأسفانه بیشتر تأسیسات داخلی شهر به دست کشاورزان تسطیح شده و در زیر خاک مدفون است. با کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر بعضی از این تأسیسات از زیر خاک بیرون آمده‌اند. مباحث مرتبط با مطالعات تاریخ شهرها و بررسی علل شکل‌گیری، گسترش و افول آن‌ها از با اهمیت‌ترین موضوعات دوران تاریخی و اسلامی به شمار می‌آید. بنابراین، بررسی ساختار فضایی شهر نشان‌دهنده‌ی تمام عواملی است که در به وجود آمدن، شکل‌گیری و افول آن نقش داشته است و می‌تواند از عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی تأثیر گرفته باشد. مقاله‌ی حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر در ساختار فضایی شهر اسفراین بر آن است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با کمک منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی به شناخت و تحلیل روند شکل‌گیری، گسترش و افول شهر اسفراین کهن (بلقیس) پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شالوده‌ی اصلی این شهر در دوره‌ی ساسانی بنیان شده و عوامل طبیعی، ماهیت اجتماعی-اقتصادی و سیاسی عامل اصلی شکل‌گیری و رشد و توسعه‌ی این شهر در دوره‌ی اسلامی بوده است؛ اما از دوره‌ی تیموری به بعد عامل نظامی به خصوص حملات ازبک‌ها و افغان‌ها تأثیر بسزایی در افول و از بین رفتن ساختار فضایی این شهر داشته است.

واژه‌های کلیدی: ساختار فضایی، توسعه‌ی شهری، اسفراین کهن، اسفراین، ساسانی، دوره‌ی اسلامی، افغان‌ها.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا (نویسنده مسئول) sodaei@iauvaramin.ac.ir

۲. کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

مقدمه

شهر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، نمایان‌کننده‌ی شرایط اقلیمی، طبیعی و ارائه‌کننده‌ی شکل مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه است (یوسفی فر، ۱۳۸۴: ۲۲۹). بنابراین، پرداختن به مقوله‌ی شهر از ابعاد گوناگون بر پیچیدگی‌های تعریف و تبیین آن افزوده است. به طوری که منجر به ظهور نظریه‌های متعددی درباره‌ی پیدایش و چگونگی تکامل شهرها شده است. از دلایل اصلی این پیوستگی، ماهیت مطالعاتی بین علوم عنوان شده است که محور اصلی آن را انسان و رفتارهای وی تشکیل می‌دهد (کوئن، ۱۳۸۴: ۱۸). به همین منظور استفاده از رهیافت‌های علوم دیگر می‌تواند در تحلیل دقیق و مستند عوامل متعدد در فرایند تکامل شهر مفید واقع شود. شهر پدیده‌ای مکانی - فضایی است که در نقطه‌ی خاصی ایجاد شده و به مرور زمان تکامل و رشد می‌یابد و در هر مقطعی از تاریخ، دگرگونی‌های کمی خود را به تغییرات کیفی مورد نیاز زمان خویش تبدیل می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). از آنجا که هر شهری در بستر زمان و مکان شکل گرفته، گسترش یافته و در نهایت به نقطه‌ی زوال رسیده است؛ بهره‌گیری از رویکرد روشمند تحلیل تاریخی به فهم و درک منطقی از سیر تحولات اجتماعی و تاریخی در بستر زمان و مکان و از سوی دیگر به فهم ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ی مورد مطالعه کمک می‌کند. شهر اسفراین کهن (بلقیس) در جنوب خراسان شمالی واقع شده که به دلیل موقعیت راهبردی در سر راه مواصلاتی شرق به غرب بوده است. این شهر، محلی آباد در مسیر جاده‌ی موسوم به ابریشم بوده که از صدر اسلام تا حمله‌ی افغان‌ها، موجودیت و آبادی آن مورد توافق مورخین و جغرافی نویسانی مانند موسی خورنی، مقدسی، بلاذری، ابن اثیر و حافظ ابرو قرار داشت. طبق نوشته‌ی مورخین اسلامی در سده‌های مختلف، شهر اسفراین کهن در اوایل دوره‌ی اسلامی تا قرن هفتم هجری در اوج اعتلا و عظمت شهری بود ولی از قرن هفتم تا اواخر دوره‌ی صفوی به علت اتفاقات سیاسی از جمله حمله‌ی مغولان، ازبک‌ها و افغان‌ها شهر کم‌کم افول کرد تا اینکه در سال ۱۱۶۰ ه.ق ویران شد و از آن جز خرابه‌ای باقی نماند. گفتنی است که بعد از آخرین حمله‌ی افغان‌ها، شهر جدید اسفراین در سه کیلومتری شمال شرقی شهر اسفراین کهن (بلقیس) بنا شد. حال با توجه به استقرار شهر از اوایل دوره‌ی اسلامی تا اواخر دوره‌ی صفویه، سؤالات مطرح شده در این پژوهش این است که: -۱ با توجه به منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی آیا شهر بلقیس بر پایه‌ی ساختار اجتماعی شهرهای پیش از اسلام بنیان شده است؟ -۲ کدامیک از عوامل ساختار شهری در توسعه و زوال شهر اسفراین کهن (بلقیس) در دوره‌ی اسلامی نقش داشته است؟

در این مقاله سعی شده است با محوریت مطالعه بر روی شهر اسفراین کهن (بلیقیس) به عوامل مؤثر در شکل‌گیری، توسعه و زوال این شهر پرداخته شود.

پیشینه‌ی پژوهش

کتاب متعدد تاریخی و جغرافیایی در مورد شهر اسفراین کهن (بلیقیس) نوشته شده است که به اتفاقات سیاسی، تاریخی و جغرافیایی شهر بلیقیس در دوران اسلامی پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به کتب موسی خورنی، ابن اثیر، تاریخ این خلدون، حدودالعالم من المشرق و الی المغرب و حافظ ابرو اشاره کرد. از کتب جدیدی که در مورد شهر اسفراین کهن نگاشته شده می‌توان به کتاب شهرهای ایرانی نوشته‌ی یوسف کیانی اشاره کرد که در رابطه با نوع ساختار شهرهای اسلامی و معرفی شهر اسفراین کهن (بلیقیس) پرداخته است (کیانی، ۱۳۷۴). گروه دیگر مطالعات شامل کاوش‌های باستان‌شناسی است که در شهر اسفراین کهن (بلیقیس) برای شناسایی این شهر انجام شده است. براساس بررسی‌های باستان‌شناسی انجام‌شده می‌توان به عکسبرداری هوایی اریک اشمیت اشاره کرد که در آن عکس شهر و حصار آن کاملاً مشهود است (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۱۴-۱۲۹). همچنین، در سال ۱۳۵۲ ه. ش مشیری و هیئت همراه نخستین مطالعات باستان‌شناسی منطقه را از طریق دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی خراسان انجام دادند که این مطالعات باعث شد محوطه‌ی ۲۲ هکتاری شهر بلیقیس شناسایی شود (وحدتی، ۱۳۸۶: ۱۹). در سال ۱۳۷۰ ه. ش پس از یک وقفه‌ی طولانی، نیمه‌ی جنوبی شهرستان اسفراین به سرپرستی محمود طغرابی مورد کاوش‌ها باستان‌شناسی قرار گرفت که تاکنون گزارشی از نتایج این فعالیت ارائه نشده است. در بهار ۱۳۸۶ ه. ش تیم کاوش‌ها به سرپرستی علی‌اکبر وحدتی فعالیت خود را شروع کردند که طی آن سازه‌ی بزرگ خشتی شهر اسفراین کهن (بلیقیس) و ارگ مشخص گردید (همان، ۱۳۸۹: ۷۴). در تابستان ۱۳۸۹ فعالیت‌های ژئومغناطیس با هدف شناسایی فضاها و کارکرد بناها در محدوده‌ی تپه منار انجام گرفت (فرجامی و ستوده، ۱۳۸۸: ۶۹۵-۷۰۲). فصل چهارم و پنجم کاوش‌ها در شهر کهن اسفراین در تابستان ۱۳۹۰-۱۳۹۱ و با هدف پیگیری دیوار شارستان و شناخت فضاها در محدوده‌ی ارگ بلیقیس و شارستان با تأکید بر تپه منار و شناخت ساختار شهر به سرپرستی احمد نیک‌گفتار انجام شد (نیک‌گفتار، ۱۳۹۱: ۴۴-۹۲، همان، ۱۳۹۲: ۴۱۶). پژوهش‌های مربوط به حوزه‌ی شهر و شهرنشینی در شهر اسفراین کهن که به بیان ویژگی‌های ساختاری و تحلیل کالبدی فضاها‌ی شهری پرداخته شده باشد تاکنون انجام نشده است. از آنجا که تمرکز مطالعات باستان‌شناسی بر ساختار و شاخص‌های اجتماعی جوامع باستان بر اساس یافته‌ها و بقایای مادی است (عبدی، ۱۳۷۹: ۱۰۸)؛ از این‌رو این پژوهش را می‌توان به نوعی

هم‌پوشانی مطالعات باستان‌شناسی و تاریخی قلمداد کرد. بدین ترتیب نوشته‌ها، اسناد تاریخی به همراه داده‌های باستان‌شناسی به دست آمده در شهر اسفراین کهن با هم مقایسه و تحلیل می‌شوند. انطباق بسیاری از این یافته‌ها در این دو حوزه می‌تواند به بازشناسی ساختارها و پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود. نوشته‌ی پیش روی با وجود برخی کاستی‌ها می‌تواند پژوهشی تازه در بازشناسی ساختار شهر اسفراین کهن (بلقیس) از دوره‌ی اسلامی باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق بکاررفته در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز با روش اسنادی (کتابخانه‌ای) به دست آمده و با استفاده از متون تاریخی، تحقیقات و تألیفات معتبر مورخان تاریخی به جایگاه شهر اسفراین کهن در منابع پرداخته شده است. سپس به تجزیه و تحلیل روند توسعه‌ی شهری و عوامل مؤثر بر تغییرات ساختار فضایی اسفراین با تکیه بر مدارک باستان‌شناسی می‌پردازد. سعی شده است با استفاده از رویکرد تاریخی و با استناد به مدارک به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی شهر اسفراین کهن به درک منطقی از عوامل مؤثر در تکامل، رشد و زوال این شهر دست یابیم.

پیدایش و توسعه‌ی کالبدی - فضایی شهر اسفراین براساس منابع مکتوب

شهر تاریخی اسفراین کهن (بلقیس) در ۳ کیلومتری جنوب غرب شهر کنونی اسفراین قرار گرفته است که بالغ بر ۲۰۰ هکتار وسعت دارد و به شماره‌ی ۴۴۹۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. این شهر از مجموعه آثار شامل بقایای ارگ و خندق پیرامون آن، شارستان و ربض شامل: برج و بارو، مقبره‌ی شیخ آذری، ویرانه‌های معروف به منار تپه (مسجد جامع)، کوره‌ی سفالگری، آب‌انبار، بازار، کاروانسرا، بنای معروف به یخدان‌ها و یک گورستان وسیع در نزدیک دروازه‌ی شرقی تشکیل شده است. از لحاظ قدمت، با استناد به متون تاریخی در پیش از اسلام، اسفراین کهن در عهد ساسانی یکی از شهرهای مهم و تابع نیشابور بود. موسی خورنی، جغرافی‌دان ارمنی معاصر ساسانیان، در معرفی قلمرو جغرافیای ساسانیان می‌نویسد سرزمین ایران در دوره‌ی ساسانی به چهار کوست (ناحیه) تقسیم می‌شد که خراسان یکی از این کوست‌ها بود و بیست و شش ایالت داشت. یکی از این ایالت‌ها ابرشهر یا همان نیشابور بود (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۹). نیشابور نیز به نوبه‌ی خود دارای ۱۳ رستاق (شهرک) و ۴ تسوگ (طسوج یا بخش) بود و اسفراین کهن در زمره‌ی یکی از سیزده رستاق نیشابور بوده است (ابن رسته اصفهانی، ۱۳۶۵: ۲۰۰). با توجه به ساخت کلی شهرهای ساسانی

ساخت شهر اسفراین کهن در آن زمان از سه بخش اصلی تشکیل شده بود که عبارت بود از کهن‌دژ، شارستان، وربض (کیانی، ۱۳۷۴). فرم اولیه‌ی شهر به دلیل موقعیت استقرار آن و ضرورت‌های تدافعی به صورت قلعه‌ای بود که بعدها به تدریج در حاشیه‌ی جنوبی قلعه (کهن‌دژ) نواحی مسکونی (شارستان) رشد پیدا کرد (ورجاوند، ۱۳۷۰: ۳). طبق یافته‌های باستان‌شناختی قدیمی‌ترین استقرار در این شهر تاریخی که تاکنون شناسایی شده مربوط به اواخر دوره‌ی ساسانی و صدر اسلام است (روشنی، ۱۳۶۶). در اواخر دوره‌ی ساسانی با ورود اسلام به ایران این شهر اسفراین نامیده شد که از توابع نیشابور ذکر شده است. به گفته‌ی بلاذری در کتاب فتوح البلدان در سال ۳۱ هجری در زمان حکومت عثمان بن عفان به دست عبدالله بن عامر فتح شده ولی جزئیات این فتح شرح داده نشده است (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۵۹). بعد از تسلط اعراب بر خراسان و توسعه‌ی ارتباطات بین شرق و غرب قلمرو اسلامی، اسفراین کهن که در مسیر شاهراه ارتباطی قرار داشت از رشد فوق‌العاده‌ای برخوردار شد. در دوره‌ی امویان از شهر اسفراین کهن (بلقیس) اطلاعات چندانی در دست نیست، ولی در زمان عباسیان در دوره‌ی خلافت مأمون، طاهر امیر خراسان شد و پس از آنکه توانست به‌طور کامل حکومت خراسان را به دست بگیرد، نیشابور را به پایتختی برگزید. اسفراین در این دوره از رونق و شکوفایی برخوردار شد، ولی حاکمیت طاهریان بر نیشابور و شهر بلقیس با ظهور یعقوب لیث صفاری و حمله‌ی او به نیشابور فروپاشید. از اوضاع سیاسی این شهر در این دوره اطلاعات زیادی وجود ندارد. با به قدرت رسیدن سامانیان مردان کاردان شهر اسفراین به خدمت امرای سامانی درآمدند و در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی و دیوانی حضور فعال یافتند و شهر بلقیس (اسفراین کهن) هم به تبع این بزرگان از شهرت و شکوفایی خاصی برخوردار شد. از مهمترین این شخصیت‌ها می‌توان به ابوعلی اسفراینی، طبیب و کاتب دیوان رسایل سامانیان، اشاره کرد (فسنقری و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۹). از نظر جایگاه شهری در قرن سوم هم‌زمان با حکومت سامانیان با استناد به کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب* «اسفراین یک شهری آباد و بانعمت بوده است» (بی‌نام، ۱۳۷۲: ۲۹۳). مقدسی در کتاب *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* در اواخر قرن سوم عامل اصلی رونق و شکوفایی اسفراین را وجود بازارهای تجارتي و رجال مذهبی - سیاسی ذکر کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۶). در سال‌های پایانی حکومت سامانیان با هرج‌ومرج‌های داخلی و درگیری‌هایی که بین مدعیان جانشینی صورت گرفت، اسفراین کهن در این روزگار مورد غارت و چپاول قرار گرفت (نیک‌گفتار، ۱۳۸۷: ۳۴). در دوره‌ی سلجوقیان و با به حکومت رسیدن ملک‌شاه سلجوقی شهرهای خراسان به ویژه نیشابور با تأسیس مدارس نظامیه توسط خواجه نظام‌الملک به صورت یکی از مراکز پررونق علمی جهان اسلام درآمد

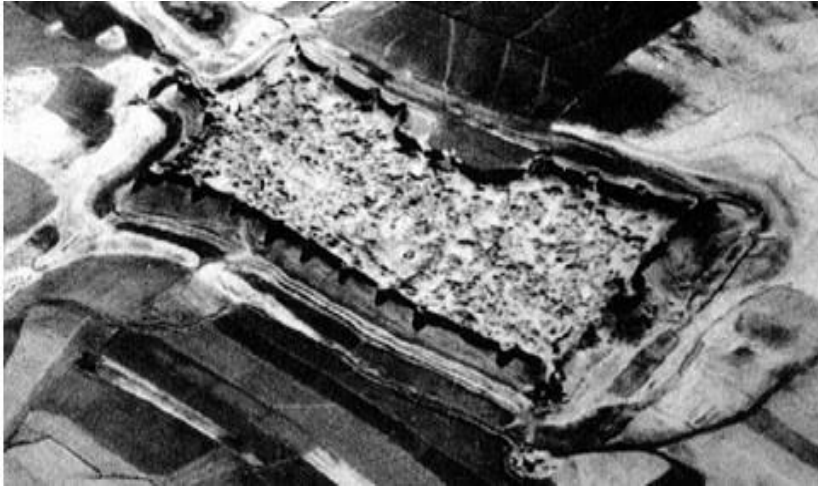
و در این زمان شهر اسفراین کهن هم که یکی از شهرهای نیشابور محسوب می‌شد از رونق و شکوفایی خاصی برخوردار بوده است. در مورد شکوفایی اسفراین شریف ادیسی، جغرافی‌دان قرن ۶ هجری، که کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الافاق را به سال ۵۴۸ هجری تألیف کرده است می‌نویسد: «اسفراین شهر متوسطی است به نیشابور و اسفراینی‌ها با آداب و رسوم شهری آشنایی دارند و اسفراین محل تجارت و ارزاق است» (نیک‌گفتار، ۱۳۸۷: ۳۴). با مرگ ملک‌شاه، سلطان سنجر به حکومت رسید و در این زمان یکی از مشکلات اصلی او درگیری با غزان بود در نتیجه‌ی این درگیری‌ها خسارت‌های زیادی به شهرهای نیشابور از جمله اسفراین وارد شد (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۸۳-۱۸۴). در سال ۵۵۴ ه.ق درگیری‌های گسترده‌ای بین علویان و شافعیان در خراسان و شهرهای آن پیدا شد که در نتیجه، بسیاری از مدارس و بازارها و مساجد در آتش سوخت و عده‌ی زیادی از شافعیان به ویژه مردم اسفراین که جملگی پیرو مذهب شافعی بودند کشته شدند (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۲۲۶). بعد از فروپاشی حکومت سلجوقیان و روی کار آمدن خوارزمشاهیان اسفراین تا سال ۶۰۳ ه.ق در دست بازماندگان سلجوقی بود تا اینکه در صفر ۶۰۳ ه.ق سلطان محمد خوارزمشاه پس از سلطه بر هرات، شهر اسفراین را از تسلط سلجوقیان خارج کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۴: ۱۰۳). یاقوت حموی که مقارن با حمله‌ی مغول زندگی می‌کرده و کتاب معجم البلدان را چند سال قبل از این حمله تدوین کرده است درباره‌ی اسفراین می‌نویسد: «اسفراین: شهرکی بارودار در بخش‌های نیشابور، در نیمه‌راه گرگان. نام باستانی آن (مهرگان) است» (حموی، ۱۳۸۰: ۲۲۲). در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ ه.ق) که مغولان به خراسان حمله‌ور شدند، سلطان محمد خوارزمشاه نتوانست در مقابل لشکریان مغول مقاومت کند و درحین فرار از نیشابور از طریق اسفراین به استرآباد رفت. مغولان توانستند منطقه‌ی نیشابور را تحت سلطه‌ی خود درآورند و ویرانی‌های بسیاری بر جای گذاشتند (جوینی، ۱۹۱۱م: ۱۱۵). اسفراین کهن در دوره‌ی ایلخانیان مغول به‌رغم صدمات جبران‌ناپذیری که دیده بود به خاطر قرارگرفتن در مسیرراه‌های تجاری دوباره رونق و شکوفایی خود را به دست آورد و یکی از ۱۸۲ ایالتی شد که توسط خان‌ها اداره می‌شد (نیک‌گفتار و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۷-۴۱). از سال ۷۴۸ ه.ق تا اواسط حکومت سربداران بیشتر زیر نظر طغاتیمور اداره می‌شده است. حمدالله مستوفی در نیمه‌ی قرن هشتم راجع به اسفراین می‌نویسد: «اسفراین از اقلیم چهارم طولش از جزایر خالادات صا و عرض از خط استوا الواج. شهری وسطی است و در مسجد آنجا کاسه‌ی بزرگی است از روی دورش دوازده گز خیاطی و از آن بزرگ‌تر کاسه پیش از این کسی نساخته است و بر جانب شمال آن شهر قلعه است محکم آن را دژ صلوک خوانند و قریب ۵۰ دیه از توابع اسفراین است و هوایش معتدل است اما چون آب از رودخانه که در پای قلعه است

می‌آید و آنجا درخت جوز بسیار است ناسازگاری می‌باشد و ولایات و توابع آن قنوات دارد و همه محصول از انگور و میوه و غله داشته باشد» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۹). در اواخر قرن هشتم تیمور توانست به تدریج تمام آسیای مرکزی و ماوراءالنهر را تصرف کند. کلاویخو، جهانگرد معروف و سفیر دولت اسپانیا در دربار تیمور، در سال ۸۰۶ هجری که خود از اسفراین عبور کرده چنین می‌نویسد: «به هنگام فرا رسیدن شب به اسفراین رسیدیم. این آبادی بزرگ است با ساختمان‌های زیبا و بسیار که همه خانه‌ی شخصی یا مسجد بودند اما بیشتر آن‌ها اینک متروک مانده‌اند. سپس آنان به ما اسب‌های تازه نفس دادند و آن شب را همچنان رانیدیم» (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۱۸۷-۱۸۸). پس از کلاویخو در سال ۸۳۳ حافظ ابرو که خود احتمالاً از منطقه‌ی اسفراین گذر کرده برای ولایت اسفراین ۲۶ قریه ذکر کرده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۷۰). با توجه به مشاهدات کلاویخو از شهر اسفراین که دارای تعدادی ساختمان و مسجد که بیشتر آن‌ها متروکه باقی مانده‌اند و همچنین استناد به گزارش حافظ ابرو از تعداد ۲۶ آبادی که برای ولایت اسفراین نسبت داده که قبل از او مستوفی پنجاه قریه برای اسفراین ذکر کرده، بیانگر یک نوع کاهش در تعداد آبادی‌ها در این دوره هستیم. این مطلب را مدارک باستان‌شناسی، یعنی کمبود شدید سفال در دوره‌ی تیموری در شهر اسفراین نیز تأیید می‌کند (وحدتی، ۱۳۸۶: ۲۹۴). پس از به پایان رسیدن حکومت تیموریان در سال ۹۰۵ ه.ق شاه اسماعیل صفوی سلسله‌ی صفویه را در ایران تشکیل داد. او و جانشینانش با برانداختن حکومت‌های ملوک‌الطوایفی و متمرکز ساختن دستگاه‌های دولتی و تحکیم مبانی دینی و ملی به ترویج صنعت و آبادی شهرها همت گماشتند. یکی از مهم‌ترین مشکلات حکومت صفوی در بخش‌های شرقی ایران به ویژه خراسان و از جمله شهر اسفراین حملات شییک‌خان ازبک بود. تا زمان سلطنت شاه عباس اول درگیری بین حاکمان صفوی و فرزندان شییک‌خان ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۰۳۷ ه.ق در اواخر سلطنت شاه عباس اول، پسران بزرگ ازبک از بین می‌روند و اسفراین جانی تازه می‌گیرد (توحیدی، ۱۳۷۴: ۱۲۰)؛ ولی نمی‌تواند رونق و شکوفایی قبل خود را به دست آورد تا آنجا که با حمله‌ی افغان‌ها این شهر در سال ۱۳۷۱ م/۱۱۶۰ ق کاملاً ویران و درهم کوبیده شد (بیت، ۱۳۶۵: ۳۵۶-۳۵۷) و بر روی خرابه‌های شهر کهن اسفراین نام بلقیس گذاشته شد.

ساختار فضایی شهر اسفراین کهن بر اساس مدارک باستان‌شناسی

از آنجایی که امروزه از شهر اسفراین کهن ویرانه‌ای بیشتر برجای نمانده است برای شناسایی بهتر و بیشتر این شهر کاوش‌های باستان‌شناسی می‌تواند راهگشا باشد. طبق کاوش‌های باستان‌شناسی که طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ تحت سرپرستی آقایان علی‌اکبر وحدتی (۱۳۸۶)، فرجامی و ستوده (۱۳۸۹) و نیک‌گفتار (۱۳۹۰-)

۹۲) در این محوطه‌ی باستانی انجام گرفت بقایای ارگ، معماری داخل ارگ، خندق، بازار شهر و شارستان از دل خاک بیرون آورده شد (شکل ۱) که در ذیل این فضاها به‌طور مختصر معرفی می‌گردند.



شکل ۱: عکس هوایی شهر تاریخی اسفراین کهن (اشمیت، ۱۳۷۶)

ارگ: در منابع مکتوب تاریخی برای اولین بار در دوره‌ی سلجوقی از این قسمت به صورت قلعه‌شهر یاد شده است (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۲۲۶). پس از آن، در دوره‌ی سربداران (سمرقندی، ۱۳۳۷: ۳۱۸) و سپس صفویه به کرار از آن یاد شده که در اطراف آن خندق و دیگر سازه‌ها وجود داشته است (منشی، ۱۳۷۷: ۶۹۴-۶۹۶). ارگ شهر تاریخی اسفراین که برجسته‌ترین اثر این مجموعه است مساحتی بالغ بر پنج هکتار (۵۲۰۰۰ متر مربع) را دربرگرفته است. با توجه به شواهد موجود و کاوش‌های باستان‌شناختی تعداد ۳۰ برج در اندازه‌های مختلف در گرداگرد آن تعبیه شده که از هر سو با خندق احاطه شده است. مصالح اصلی بکاررفته در ساخت ارگ گل/چینه و در مواردی آجر است که در بخش‌های مختلف از خشت، آجر و چوب برای استحکام بیشتر استفاده شده است. دروازه‌ی ورودی اصلی آن در ضلع شمالی با یک پیشامدگی به داخل شارستان مشخص است (شکل ۲). امروزه بیشتر بخش‌های آن تخریب و به صورت آواری از خاک درآمده است. فضای داخلی ارگ با حفاری‌های غیرمجاز دچار آسیب‌های زیادی شده و فقط از این ارگ بزرگ که زمانی احتمالاً قسمت‌هایی از آن دارای سه طبقه فضای معماری بوده تنها یک شالوده‌ی گلی باقی مانده است.



شکل ۲- ضلع غربی ارگ اسفراین کهن (پایگاه باستان‌شناسی اسفراین)

با توجه به شواهد موجود، ارگ شهر تاریخی اسفراین برخلاف اکثر ارگ‌ها، خارج از شارستان بر روی سطح هموار دشت ساخته شده است و در اطراف آن جهت دفاع از ارگ خندقی ایجاد کرده‌اند. اولین دوره‌ی استقرار در ارگ طبق اشارات متون تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی به دوره‌ی سلجوقیان برمی‌گردد و بعد از این دوره چند بار در ارگ فعالیت‌های مرمتی و ساخت‌وساز در پیکره‌ی آن دیده می‌شود. ارگ آخرین بار توسط افغان‌ها به تصرف درآمد و به‌طور کامل تخریب شد؛ اما با این وجود زاغه‌نشین‌هایی به‌طور مستقل تا اواخر قاجار نیز در این مکان بیتوته می‌کرده‌اند (وحدتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

دروازه‌های ارگ: طبق شواهد موجود و اشاره‌های منابع تاریخی و سفرنامه‌ها، ارگ شهر تاریخی اسفراین دارای دو دروازه‌ی شمالی و جنوب‌غربی بوده است. دروازه‌ی جنوب‌غربی: برای اولین بار سرپرسی سایکس (۱۹۱۱ میلادی) به این دروازه اشاره می‌کند و یک نقشه‌ی کلی از آن ارائه می‌دهد. طبق نقشه‌ی هوایی اشمیت در مقابل دروازه، روی خندق پلی وجود داشت که از طریق این پل با برج نگهبانی که بعد از خندق وجود داشت ارتباط برقرار می‌کردند (شکل ۳). با توجه به اندازه‌ی این دروازه احتمال می‌رود این دروازه جنبه‌ی عمومی نداشته و بیشتر برای افراد ساکن در داخل ارگ استفاده می‌شده است. امروزه برج نگهبانی تسطیح و پل ارتباطی تخریب و از این دروازه تنها بقایای یک برج باقی مانده است. با توجه به شکل ظاهری برج‌ها به نظر می‌رسد که این برج‌ها در چند دوره مورد مرمت قرار گرفته است. از لحاظ ساختاری این برج‌ها از نوع توپر و دارای کنگره بوده‌اند که در زمان آبادانی سربازان از این برج‌ها برای حفاظت و کنترل از دروازه استفاده می‌کردند. دروازه‌ی شمالی: دومین دروازه که به نظر می‌رسد مهمترین دروازه‌ی ارگ محسوب می‌شده است. این دروازه در ضلع شمالی ارگ در یک بخش بیرون‌زده قرار گرفته که امروزه این بخش کاملاً تخریب شده و فقط بقایای آن موجود است (شکل ۴). طبق

عکس های هوایی اشمیت و شواهد به دست آمده از کاوش های باستان شناختی چنین به نظر می رسد که احتمالاً یک پل ارتباطی روی خندق روبه روی این دروازه بوده که ارگ را به شارستان متصل می کرده است.



شکل ۳- موقعیت دروازه ی جنوب غربی ارگ، خندق و برج نگهبانی (اشمیت، ۱۳۷۶)- بقایای

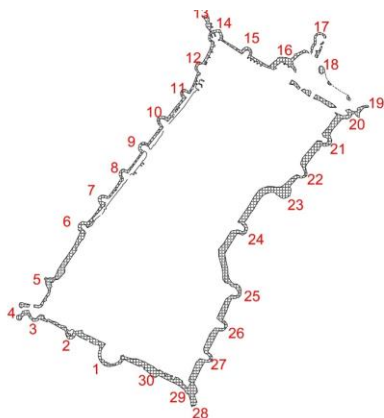
دروازه ی جنوب غربی



شکل ۴ - موقعیت دروازه ی شمالی ارگ، خندق و برج نگهبانی (اشمیت، ۱۳۷۶)

برج ها و ساختار آن ها

برج ها سازه هایی نسبتاً بلند و در ابعاد مختلف به شکل استوانه یا چند ضلعی هستند که بعضاً دارای چند طبقه بوده اند و گرداگرد و میان حصارها و باروی شهرها، کاروانسراها و دارالحکومه ها قرار داشته اند. در آن ها تیرکش تعبیه می شد که نگهبانان از آنجا به جانب دشمنان تیراندازی می کرده اند. برخی برج ها نیز به طور منفرد یا در کنار بناهای دیگر بر سر مزارها یا راه ها و شهرها ساخته می شدند که عملکرد متفاوتی داشته اند. برج های ساخته شده در فواصل میان بارو هم باعث استحکام بارو بوده اند و همچنین از آن به عنوان سنگر دفاعی و دیده بانی استفاده می شده است (شکل ۵). بیش از ۳۰ برج در اندازه های مختلف در حصار ارگ شهر بلقیس جهت دفاع از آن در برابر دشمنان ایجاد شده است (وحدتی، ۱۳۸۸).



شکل ۵: شماره‌گذاری برج‌های ارگ شهر اسفراین (پایگاه باستان‌شناسی اسفراین)

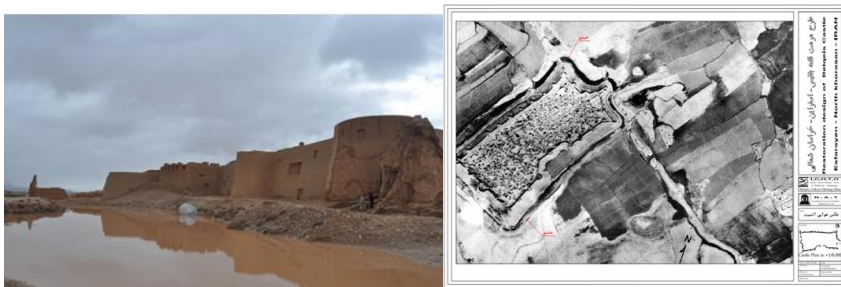
با توجه به شواهد موجود کاملاً مشخص است که در دوران صفویه ارگ کاملاً مرمت و برج‌و باروها تقویت شد که این تغییرات و مقاوم‌سازی‌ها را در سراسر ارگ می‌توان مشاهده کرد. این لایه از روی خاکریز به صورت یک جرز قطور به ضخامت تقریباً ۹۰ سانتیمتر اجرا شد که به علت عدم زیرسازی و مقاوم‌سازی تقریباً در اکثر جاها دچار تخریب و ریزش شده است. برج‌های اجراشده در گوشه‌های ارگ با توجه به شکل و ابعاد آن احتمالاً جنبه‌ی دیده‌بانی داشته که به صورت پیش‌آمده بوده و نسبت به دو جبهه از بنا تسلط بهتری داشته است. این برج‌ها از نظر شکل و ابعاد نسبت به بقیه‌ی برج‌ها کاملاً متفاوت است. این برج‌ها کاملاً مدور هستند و با استفاده از یک راهرو به برج گوشه‌های ارگ متصل شده‌اند و با توجه به شواهد موجود در برج گوشه‌ی جنوب‌شرقی راهرو دسترسی از برج اصلی به برج منفصل تقریباً سالم مانده است (شکل ۶).



شکل ۶: ضلع غربی ارگ (پایگاه باستان‌شناسی اسفراین)

خندق

در شهر تاریخی اسفراین فقط اطراف ارگ حکومتی خندق اجرا شده است و احتمالاً خاک حاصل از آن را به اطراف برج و باروی ارگ حمل کرده‌اند و یا خاک حاصله در زمان عملیات بنای ارگ جهت ساخت و ساز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در خصوص عمق آن اطلاعات دقیقی در دست نیست و نیاز به کاوش‌های باستان‌شناسی دارد اما عرض آن بالغ بر ۱۸ متر است. با توجه به رودخانه‌ای که در شمال شهر وجود داشت این احتمال وجود دارد که آب جهت پرکردن خندق از این رودخانه تأمین می‌شده است (شکل ۷-۸). این بنای عظیم دارای دو دروازه بود که ارتباط آن با خارج از محوطه‌ی ارگ از طریق پل‌های متحرک مقدور بوده است. با توجه به کاوش باستان‌شناختی که در بخش شمالی ارگ صورت گرفت بقایایی از یک سازه‌ی آجری کشف گردید (نیک‌گفتار و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۵۰) که با توجه به موقعیت قرارگیری آن و نوع ساختار و مصالح می‌توان این احتمال را داد که این ساختار پایه‌های پل ارتباطی بوده است. برای اولین بار در منابع دوره‌ی صفویه به وجود خندق دور ارگ اشاره شده است (منجم، ۱۳۶۶: ۱۳۶).



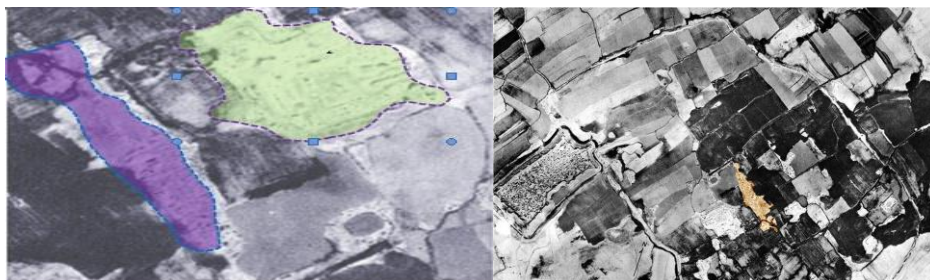
شکل ۷- بقایای خندق (اسمیت، ۱۹۳۷) شکل ۸- بقایای خندق در اطراف ضلع شمالی ارگ

در حال حاضر (پایگاه باستان‌شناسی اسفراین)

بازار شهر

بازارها یکی از نقاط حیاتی و از ارکان مهم شهرهای اسلامی به شمار می‌روند و همیشه به‌عنوان هسته‌ی مرکزی شهر دارای عملکردهای مختلف از جمله فعالیت‌های تجاری بوده‌اند. بازار همواره با رونق اقتصادی، ثبات حکومت و آرامش نسبی اجتماعی توسعه یافته و یا در اثر جنگ و ناآرامی‌های سیاسی راکد مانده است (فریور صدی، ۱۳۸۰: ۶۲۳). اسفراین دوران اسلامی نیز از این پدیده مستثنی نبوده و دارای بازارهای پررونقی بوده است. بنابر منابع مکتوب، بازارهایی برای تجارت وجود داشته ولی جایگاه آن نامشخص است. در تصویر هوایی اسمیت محدوده‌ی بازار در داخل حصار و در ضلع شمال شرقی قرار گرفته است که به شکل مستطیل دیده می‌شود. از آنجا که در دوره‌ی اسلامی همیشه بازار با مسجد در ارتباط بود و برای دسترسی همگان در

مرکز شهر قرار می‌گرفت؛ لذا نمی‌توان این بنا را به علت دوری از مرکز شهر و وسعت کم به‌عنوان مهمترین بازار شهر در نظر گرفت و باید در جای دیگر سراغ آن را گرفت (شکل ۹- ۱۰).



شکل ۹- موقعیت بازار (اشمیت، ۱۳۷۶)

شکل ۱۰- موقعیت بازار و مسجد اسفراین در

عکس‌های هوایی

تپه منار (مسجد جامع اسفراین کهن)

در دوره‌ی اسلامی سازمان‌های دینی در شالوده‌ی زندگی شهری اهمیت زیادی پیدا کردند و مسجد جامع از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر به شمار می‌آمد. در واقع وجه تمایز شهر از ده، داشتن مسجد جامع و منبر بوده است (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۲). مسجد جامع گاه به منزله‌ی مقر حکومت و پیونددهنده‌ی مذهب با حکومت بوده است. در مورد وجود مسجد در شهر اسفراین کهن برای اولین بار حمدالله مستوفی در کتاب *نزه‌القلوب* به مسجدی اشاره می‌کند که «در آن کاسه‌ی بزرگی است از روی دورش دوازده گز خیاطی است [هرگز برابر با ۱۰۴ سانتیمتر است] و از آن بزرگ‌تر کاسه پیش از این کسی نساخته است» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۹). در دوره‌ی تیموری، کلاویخو که خود از شهر اسفراین گذر و ساعتی در آن اقامت کرده است، در توصیف شهر اسفراین اشاره‌ای کلی به خانه‌های شخصی و مسجد می‌کند (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۱۸۷-۱۸۸)؛ اما به این‌که در کدام بخش شهر قرار گرفته است، هیچ اشاره‌ای ندارد (شکل ۱۱). در دوره‌ی صفویه در حمله‌ی عبدالؤمن خان ازبک که شهر صدمات زیادی دید و خراب شد در باره‌ی مسجد آن اشاره‌ی کلی شده که بدین شرح است: «... چون قلعه‌ی اسفراین از محاصره‌ی ازبک بسیار خراب شده بود چه نقب‌ها پیش برده بودند که اکثر خندق پر شده بود و حوال‌ها از جانب بلند گردیده بود و ازبکان نابکار برگشته روزگار خشت بهنت حوال‌ها از مسجد جامع کنده بردند و آورده حوال‌ها ساخته بودند...» (منجم، ۱۳۶۶: ۱۳۷)

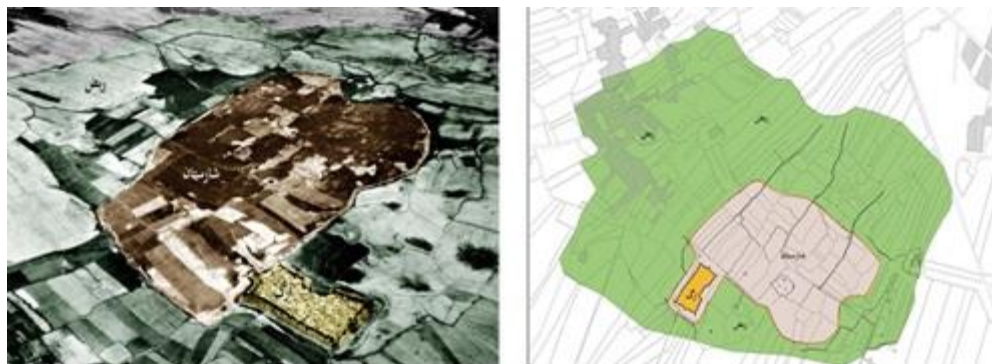


شکل ۱۱: موقعیت منار تپه (مسجد جامع) و راسته بازار (عکس هوایی اشमित، ۱۳۷۶)

ربض شهر تاریخی اسفراین

ربض به مجموعه فضاها و محوطه‌های اطراف حصار شارستان گفته می‌شود که شامل مواردی چون باغ‌ها، کشتزارها، آسیاب‌ها، خانه‌ی دهقانان، چراگاه دام‌ها و چهارپایان، قلعه‌نشینان، غسل‌خانه و قبرستان بوده است. در حقیقت در زمانی که امنیت برقرار بود و دشمنان خارجی در کمین حمله و تهاجم نبوده‌اند، ساکنان قلعه از مسکن خود خارج می‌شدند و در ربض به کارهای روزانه، کشاورزی و اداره‌ی امور عادی زندگی می‌پرداختند. نهایت تلاش قلعه‌نشینان بر آن بود که محصولات، تولیدات، علوفه و آذوقه‌ی خود را با مشارکت یکدیگر جمع‌آوری و به داخل قلعه حمل و در آن ذخیره کنند تا پس از ذخیره‌سازی مازاد محصول خود را به شهرهای مجاور حمل کنند و به فروش برسانند تا محصولات و مایحتاجی که خود نیاز داشته و قادر به تولید آن نبوده‌اند را خریداری و به داخل قلعه بیاورند تا استقلال و عدم نیازمندی به بیرون قلعه را تأمین کنند. دورتادور ربض را نیز در برخی مناطق حصار و بارو می‌کشیدند ولی استحکام باروی آن به اندازه‌ی استحکام باروی قلعه نبود. در شهرها یا روستاهایی که جمعیت آن‌ها افزایش می‌یافت، برخی از اهالی آنجا در بیرون از قلعه و در ناحیه‌ی ربض خانه می‌ساختند. کم‌کم ربض مانند شارستان آباد و پرجمعیت می‌شد و کشتزارها و باغ‌ها به خارج از باروی ربض سابق گسترش می‌یافت و باروی ربض سابق را محکم‌تر و به دیوار حصار اصلی شارستان متصل می‌کردند. ارتباط بین ربض و شارستان فقط در اوقات روز برقرار بود؛ زیرا با غروب آفتاب درهای قلعه بسته می‌شد و دیگر کسی مجاز به ورود یا خروج نبود. این وضعیت تا اواخر دوره‌ی قاجار نیز رواج داشته است (پازوکی طرودی، ۱۳۷۶: ۲۲۶). طبق بررسی‌های صورت‌گرفته و شواهد باقیمانده چنین به نظر می‌رسد که مجموعه‌ی شهر

تاریخی بلقیس در زمان آبادانی دارای ربض بوده است و آثاری در این بخش باقی مانده که شامل رباط جوشقان و مجموعه‌ی یخدان‌ها است (شکل ۱۲).

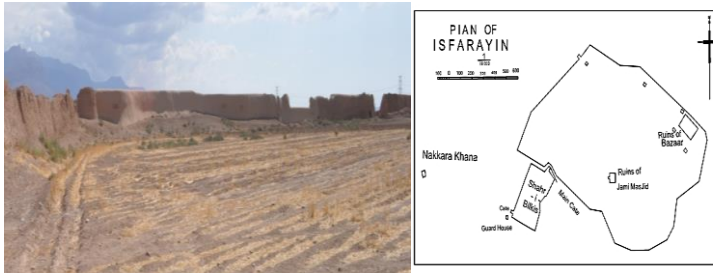


شکل ۱۲: موقعیت ارگ، شارستان و احتمالاً ربض (اشمیت، ۱۳۷۶)

شارستان

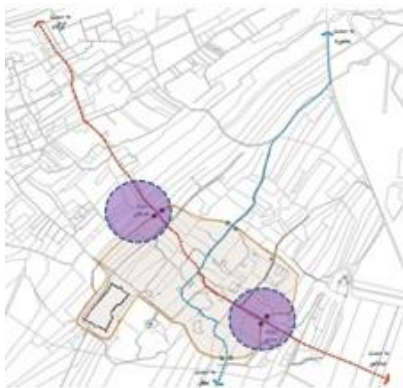
شارستان یا شهرستان هسته‌ی مرکزی شهر بود و معمولاً از کنار دروازه‌ی مهم آن بازار شروع می‌شده و به مرکز شهر می‌رسیده است. این نمونه در ری باستان قابل مشاهده است (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۲). به فضای داخلی قلعه که شامل فضاهای مسکونی، عمومی و جمعی بود شارستان گفته می‌شد. این بخش از ابتدای در ورودی شروع و در جوانب خیابان یا کوچه در سراسر قلعه امتداد می‌یافت. کوچه‌های متعدد دیگر به قسمت‌های مختلف نظیر مساجد، بازار، ساباط یا کاروانسرا، حسینیه، زورخانه، آب‌انبار، مدرسه، حمام، کارگاه‌های مختلف و خانه‌ها راه می‌یافتند. ساکنان این ناحیه را افراد و اقشار مختلف جامعه تشکیل می‌دادند. شارستان از نظر شهرسازی و بافت زندگی شهری مجموعه‌ی کاملی بود که تا حدودی نیازهای ضروری اجتماع زمان خود را رفع می‌کرد. نحوه‌ی جای‌گیری و تشکیل اماکن و نوع ساخت و اصولاً سبک شهرسازی این مجموعه در دوران مختلف حاکی از اهمیت شهرسازی است (پازوکی طرودی، ۱۳۷۶: ۲۲۷-۲۲۸). کلنل ادوارد بیت از این بخش به‌عنوان شهر قدیمی اسفراین یاد کرده است که در شمال شرق ارگ واقع و محیط آن نزدیک به سه میل بود. هنوز دیوارها در بعضی نقاط ۳ تا ۴ متر و ۶۰ سانتی‌متر ضخامت داشتند. زمین داخل شهر شخم‌زده و تا حد زیادی هموار شده بود؛ اما هنوز تپه‌خاک‌هایی در آن مشاهده می‌شد که در آن‌ها تعداد زیادی سکه و اشیای دیگر یافت شده بود (بیت، ۱۳۶۵: ۳۵۴). سرپرسی سایکس هم عقیده با توصیفات بیت، وجود شهر را در شمال ارگ دانسته است که در آن بقایایی از مسجد و بازار و چند بنای نامشخص قرار داشت و یک نقشه‌ی کلی از حصار شهر کشیده است؛ اما به وضوح جدا بودن ارگ و شهر

را از تصاویر هوایی اشمیت می‌توان تشخیص داد. در این تصاویر شهر در شمال شرق ارگ دیده می‌شود که دارای دیوارهای تدافعی با برج و بارور است که در داخل آن چند بنا دیده می‌شود (شکل ۱۳-۱۴).

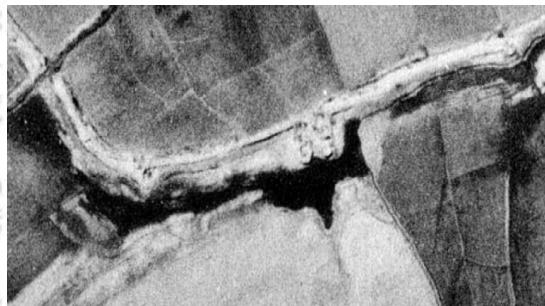


شکل ۱۳- نقشه‌ی شارستان همراه با دیگر بناها تصویر ۱۴- بقایای برج و باروی شارستان اسفراین (پایگاه باستان‌شناسی اسفراین)

در مورد دروازه‌های شارستان شهر تاریخی اسفراین منابع مکتوب تاریخی زیادی در دست نیست و تنها متن تاریخی مربوط به ابن خلکان در کتاب وفيات الاعیان است. طبق عکس‌های هوایی اریک اشمیت در سال ۱۹۳۷م شارستان دارای چهار دروازه بوده است (سهرابی، ۱۳۱۰: ۵۲۳-۵۲۴) که عبارت بودند از دروازه‌ی شرقی معروف به دروازه‌ی نیشابور؛ ۲- دروازه‌ی شمال‌غربی (دروازه‌ی جرجان) (شکل ۱۵-۱۶)؛ ۳- دروازه‌ی جنوبی؛ ۴- دروازه‌ی شمالی.



شکل ۱۶- دروازه‌ی شمال‌غربی (جرجان) (اشمیت، ۱۳۷۶)



شکل ۱۵- دروازه‌ی جرجان و نیشابور (پایگاه باستان‌شناسی اسفراین)

بحث و تفسیر

تحقیق در تاریخ پیدایش و چگونگی گسترش مناسبات شهری در ایران به دلیل سابقه‌ی طولانی سکونت، امری پیچیده است. در این بین، چگونگی گسترش شهرها و دلایل آن در هر دوره‌ی تاریخی یکی از مباحث بااهمیت در مطالعات تاریخ شهرها به شمار می‌آید. با توجه به منابع مکتوب و آثار باستانی به دست آمده از شهر اسفراین کهن در برشمردن عوامل عمده در شکل‌گیری ساختار فضایی این شهر از دوره‌ی ساسانی تا اواخر دوره‌ی صفویه می‌توان از عوامل محیطی (جغرافیا، طبیعت و اقلیم)، بازرگانی (اقتصاد - تجارت)، نظامی (پدافندی) و سیاسی (حکومتی، دولتی) نام برد. در دوران پیش از اسلام در انتخاب محل استقرار هر شهر نکات مهمی را در نظر داشتند، از جمله واقع بودن بین شاهراه‌ها و مسیرهای تجاری، سیل‌گیر نبودن، سخت بودن زمین، زلزله‌خیز نبودن، حاصلخیز بودن زمین و... (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۱-۲). تأسیس یک شهر در دوره‌ی ساسانی از امتیازات شاهی برای منطقه به شمار می‌آمد که با طرح و نقشه‌های قبلی احداث می‌شدند و همیشه یک نقشه‌ی منظم داشتند که اکثراً مستطیل شکل و شبکه‌بندی شده بودند (کیانی، ۱۳۷۴). از آنجایی که ساختار فضایی شهر حاصل فرایندهای طبیعی و محیطی است، عوامل طبیعی و محیطی به‌عنوان عامل اصلی در مکان‌یابی و ساختار فضایی شهر تأثیرگذار است. این عوامل شامل دسترسی به آب، اراضی حاصلخیز، دسترسی به راه‌های ارتباطی و... است. از این رو، شهر اسفراین کهن با داشتن شرایط محیطی مناسب در دوره‌ی ساسانی بنیان شد. اگر چه توصیف مورخان و جغرافیایانوسان از شهر اسفراین کهن کامل نیست ولی همه اذعان داشته‌اند که این شهر بسیار آباد بوده است. با در نظر گرفتن منابع آبی که شامل رودخانه‌های دائمی و فصلی است، از رودخانه‌ی قره‌سو به‌عنوان اصلی‌ترین رودخانه‌ی این ناحیه می‌توان نام برد که با جهت جنوب‌شرقی - شمال‌غربی در سراسر دشت امتداد دارد. شاخه‌های فرعی به نام‌های گرماب، سرخ‌آب، کال ولایت، بیدواز و روبین جاجرم که از ارتفاعات آلاداغ سرچشمه می‌گیرند، از سمت شمال به آن می‌پیوندند. از این میان، تنها رودخانه‌ی بیدوارز و روبین دائمی هستند (فدایی، ۱۳۷۳: ۶-۸). به منظور مهارکردن آب‌های سطحی در منطقه‌ی اسفراین در گذشته فعالیت‌های سد یا بندسازی انجام می‌شد (شاهد، ۱۳۶۹: ۵۶۸) که اساس آن به دوره‌ی ساسانی برمی‌گردد. بنابراین، می‌توان بیان کرد اسفراین کهن (بلقیس) از دوره‌ی ساسانیان به دلیل خصایص محیط طبیعی دارای بستر شهری بوده است. مدارک باستان‌شناسی نیز مؤید این امر است. طبق عکس‌هایی هوایی اشمیت می‌توان گفت شارستان در زمان ساسانیان در قسمت شمال‌شرق واقع شده و دارای حصار جداگانه‌ای بود. با ورود اسلام شهرهای اولیه‌ی اسلامی تا حدود زیادی

تحت تأثیر معماری و شهرسازی دوران ساسانی ساخته و بنیانگذاری شدند؛ اما عوامل مختلف مذهبی و اقتصادی سیمای شهرهای اسلامی را از شهرهای ساسانی جدا می‌کند. شهرها در این دوره به دو گونه ایجاد شدند؛ شهرهای نوساز و شهرهای تغییر شکل یافته. ایجاد شهرهای جدید به صورت قلاع یا اردوگاه نظامی در کنار شهر مفتوحه بود که این اردوگاه‌ها به تدریج به صورت شهر یا شهرک درمی‌آمد یا اینکه شهر جدیدی در کنار شهر قدیمی ایجاد می‌شد (کیانی، ۱۳۷۴). در این دوره با توجه به راه‌های کاروان‌رو و توسعه‌ی تولیدات کشاورزی و صنعتی و بالاخره فعالیت‌های تجاری و اقتصادی شاهد رشد شهرنشینی در قرون اولیه‌ی اسلامی هستیم. بنابر گزارش‌های باستان‌شناسی می‌توان گفت که شهر اسفراین کهن در اوایل دوره‌ی اسلامی تحت تأثیر شهرسازی دوران ساسانی قرار گرفته است و در کنار شارستان زمان ساسانی بنا شده است. قرون میانی اسلام، از قرن چهارم تا هفتم هجری، مهم‌ترین مرحله‌ی شهرنشینی و شهرسازی در ایران به شمار می‌آید. اوایل قرن پنجم هجری مقارن با سلجوقیان و نقش آن‌ها در خلق هنرهای گوناگون اسلامی به ویژه در معماری و شهرسازی تحول و نوآوری صورت گرفت. با روی کار آمدن سلجوقیان، نیشابور و از جمله شهر اسفراین کهن عظمت و رونق چشمگیری به دست آورد. بنابر مدارک باستان‌شناسی به دست آمده، قلعه و ارگ شناسایی شده در اسفراین کهن متعلق به دوره‌ی سلجوقیان است. در این دوره شهرهای اسلامی از سه قسمت کهن دژ، شهرستان و ربض تشکیل می‌شدند و در کنار ارگ، مسجد و بازار از مهم‌ترین رکن شهرهای اسلامی به شمار می‌آمدند (کیانی، ۱۳۷۴). شهر تاریخی اسفراین نیز در قرون میانه‌ی اسلامی با وجود اینکه در سایه‌ی شهر نیشابور قرار داشت ولی توانست به علت شاخصه‌های بارز اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی جایگاه ویژه‌ای به دست آورد. بنابراین، تحولات اقتصادی از قبیل تجارت، شکل‌گیری مراکز کار و... از عوامل تأثیرگذار در ساختار کالبدی - فضایی این شهر به شمار می‌آید که نماد آن را در معماری می‌توان در بازار جستجو کرد. آثار بازار هنوز در کاوش‌های باستانی به دست نیامده است ولی طبق تصویر هوایی اشمیت محدوده‌ی بازار در داخل حصار و در ضلع شمال‌شرقی قرار دارد که به شکل مستطیل دیده می‌شود. از آنجا که در دوره‌ی اسلامی همیشه بازار با مسجد در ارتباط بود و برای دسترسی همگان در مرکز شهر قرار می‌گرفت لذا نمی‌توان این بنا را به علت دوری از مرکز شهر و وسعت کم به‌عنوان مهم‌ترین بازار شهر دانست و باید در جای دیگر سراغ آن را گرفت. مسجد جامع در هر شهر نشان‌دهنده‌ی شهریت آن است. متأسفانه در کاوش‌های باستان‌شناسی هنوز آثار مسجد جامع اسفراین کهن به دست نیامده است و تنها می‌توان به نوشته‌های حمدالله مستوفی و کلاویخو استناد کرد. عامل جغرافیا را می‌توان از دیگر عوامل تأثیرگذار بر ساختار فضایی شهر نام

برد. عامل جغرافیایی و همسایگی با قبایل بیابانگرد و نیمه‌بیابانگرد در ماوراءالنهر سبب شده بود تا در طول سده‌های مختلف این شهر با یورش متعدد این اقوام مواجه گردد. از سوی دیگر، ارتباط و دسترسی داشتن به همین مناطق تجارت با بسیاری از دیگر مناطق را ممکن می‌ساخت. بنابراین، عوامل اقتصادی - بازرگانی باعث می‌شد که در معرض غارت از طرف همسایگان خود قرار گیرند. بدین ترتیب تأمین امنیت و اصول دفاعی شهر امری ضروری بوده است. از این رو، ساختن قلعه‌ها با برج و حصار و خندق در دور حصار شهر نشان‌دهنده‌ی ساختار مرزی این شهر است. شرایط جغرافیایی سبب می‌شد تا سازندگان شهرهای مرزی با استفاده از استحکامات متعدد به محافظت از شهر بپردازند. حصار دور شهر سنتی بود که از زمان ساسانی به دوره‌ی اسلامی منتقل شده بود. همچنین خندق، دروازه‌های ورودی شهر و کهن‌دژ از تمهیدات محافظت شهر بوده است. حصار شهرهای مرزی به صورت دایره‌های مستحکم تودرتو و پشت سر هم بنا می‌گشت. دایره‌ی اول کهن‌دژ، دایره‌ی دوم شارستان و دایره‌ی سوم حومه بوده است که حصار با دروازه‌هایی با بیرون شهر ارتباط برقرار می‌کرد و به این طریق محله‌های شهر از دستبرد راهزنان محفوظ می‌ماند. مدارک باستان‌شناسی این را در مورد شهر اسفراین کهن تأیید می‌کند. در اوایل قرن هفتم هجری با هجوم مغولان بسیاری از شهرهای ایران به ویرانی کشانده شد، از جمله شهر اسفراین کهن از این آسیب‌ها به دور نماند. در این دوره عامل سیاسی باعث ضعف و انحطاط این شهر گردید. اسفراین در دوره‌ی ایلخانیان مغول به‌رغم صدمات جبران‌ناپذیری که دیده بود به خاطر قرارگرفتن در مسیر راه‌های تجاری دوباره رونق و شکوفایی خود را به دست آورد و یکی از ۱۸۲ ایالتی شد که توسط خان‌ها اداره می‌شد. مدارک باستان‌شناسی نشان می‌دهد برای اولین بار از این زمان در اسفراین ضرابخانه ایجاد شد که نشان از اهمیت این شهر و جدا شدن از تابعیت نیشابور دارد. اولین سکه به نام قآن (۶۳۰-۶۷۰ ه.ق) ضرب شد (وحدتی، ۱۳۸۹: ۲۷-۴۱). در اواخر قرن هشتم با حمله‌ی تیمور مجدداً شهر اسفراین آسیب‌های فراوانی دید. طبق منابع مکتوب، در این دوره ولایت اسفراین کوچک شد و آبادی‌های آن کاهش یافت که مدارک باستان‌شناسی (عدم وجود ضرب سکه و کم شدن سفال) نیز تأییدکننده‌ی این امر است. بنابراین، می‌توان گفت از این دوره قدرت سیاسی و اقتصادی اسفراین رو به زوال گذاشت و در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و در نهایت با حمله افغان‌ها این شهر کهن با خاک یکسان گردید. بنابراین، با توجه به پیدایش و توسعه‌ی ساختار فضایی شهر اسفراین کهن در دوران مختلف می‌توان عوامل مؤثر در پیدایش، گسترش و افول آن را با عوامل درونی و بیرونی تحلیل کرد. عوامل درونی که باعث پیدایش و توسعه‌ی شهری شدند عبارتند از عوامل طبیعی که شامل رودخانه‌های دائمی، زمین حاصلخیز و... است که باعث

شکل‌گیری این شهر در زمان ساسانیان شد و در ساختار فضایی شهری می‌توان در شارستان، ارگ و ربض آن را مشاهده کرد. در اوایل دوره‌ی اسلامی تا قرن هفتم هجری عامل اقتصادی شامل قرار داشتن در جاده‌ی ابریشم که منجر به رونق تجارت، بازرگانی و توسعه‌ی شبکه‌های ارتباطی شد، باعث توسعه و گسترش شهر گردید که در ساختار فضایی شهر می‌توان در قلعه، حصار، برج و بارو، بازار، مسجد، شارستان و ربض مشاهده کرد. همچنین، در این دوره عامل سیاسی بر سر کار آمدن حاکمانی که نیشابور را به‌عنوان پایتخت خود برگزیدند، باعث رونق و شکوفایی این منطقه گردید، از جمله می‌توان به حکومت‌های طاهریان، سامانیان، سلجوقیان و غزنویان اشاره کرد که حاکمان این دوره نظر خاص به شهر نیشابور داشته‌اند و از آنجا که اسفرائین کهن تابع نیشابور بود، تحت رونق و شکوفایی این شهر قرار داشته است؛ ولی از قرن هفتم هجری عامل بیرونی (نظامی) حمله‌ی مغولان باعث ویرانی این شهر گردید و برای مدت کوتاهی در دوره‌ی ایلخانان به خاطر راه‌های ارتباطی دوباره شکوفا گردید، زیرا شاهان ایلخانی در این شهر به ضرب سکه پرداختند. وجود ضرابخانه در شهر اسفرائین کهن نشان‌دهنده‌ی مستقل شدن از شهر نیشابور است ولی این امر چندان به طول نینجامید و با حمله‌ی تیمور شهر دستخوش ویرانی گردید. در این دوره بسیاری از ساکنین این منطقه را ترک کردند و تعداد آبادی‌های آن نیز کم شد و رونق و شکوفایی خود را از دست داد. به‌طوری‌که در ادامه‌ی حمله‌ی شیبک‌خان ازبک و در نهایت حمله‌ی افغان‌ها باعث سقوط و از بین رفتن این شهر شد.

نتیجه

ساختار فضایی هر شهر حاصل فرایندهای طبیعی و محیطی و از سوی دیگر عوامل تاریخی و شرایط متحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن است. عوامل طبیعی و محیطی به‌عنوان عامل اصلی در مکان‌یابی و ساختار فضایی شهری پیش از اسلام به‌شمار می‌آید. این عوامل شامل دسترسی به آب، اراضی حاصلخیز، دسترسی به راه‌های ارتباطی و... بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار فضایی شهرهای تاریخی و به‌طور مشخص شهر اسفرائین کهن از ابتدا به دلیل خصایص محیط طبیعی و ماهیت اجتماعی - اقتصادی دارای بستر شهری بوده است و این شهر در دوره‌ی ساسانی بنیان شد. توسعه‌ی شهرهای ایران در دوره‌ی اسلام بر پایه‌ی زیرساخت‌های شهرهای پیش از اسلام بوده و بخش‌های اصلی (ارگ، شارستان و ربض) در شهرسازی اسلامی حفظ شدند؛ با این تفاوت که نوعی معنویت و ترکیب اسلامی بین این عناصر حاکم گردید. شهر اسفرائین نیز یکی از شهرهایی است که تحت تأثیر شهرسازی دوران ساسانی قرار گرفته و در کنار شارستان زمان ساسانی بنا شده و از نظر ساختار فضایی از سه بخش اصلی ارگ، شارستان و ربض تشکیل شده است.

مرکز قدرت و سازمان اداری در ارگ متمرکز بوده و لایه‌های امنیتی دفاعی سراسر ارگ را دربرمی‌گرفته است. شهرستان بخش مسکونی شهر به شمار می‌آید که اقشار و طبقات اجتماعی بر حسب مؤلفه‌های ثروت و وابستگی سیاسی در بخش‌های مختلف استقرار می‌یافتند. در نهایت، ربض قرار داشت که زمین‌های زراعی آن محلی برای امرار معاش طبقه‌ی دهقانان و پیشه‌وران به شمار می‌رفت. در قرون میانی اسلام از قرن چهارم تا هفتم هجری عامل اقتصادی و سیاسی (حاکمان) نقش پررنگی در رشد و توسعه‌ی شهر اسفراین کهن داشته‌اند به طوری که در زمان سلجوقیان، ارگ و حصار شهر بنا شد. همچنین، توجه حاکمان و تبدیل شدن به مرکز حکومت شهرها در تمام زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رشد چشمگیری داشتند. با پایتخت شدن شهر نیشابور در زمان مسعود غزنوی، اسفراین کهن نیز رشد و ترقی چشمگیری یافت. از سوی دیگر، با توجه به جغرافیای مکانی و همسایگی با اقوام بیابانگرد و نیمه‌بیابانگرد باعث شده بود این اقوام به راحتی شهر را تصرف کنند و آسیب‌های بسیاری به آن وارد سازند. در قرن هفتم هجری با حمله‌ی مغول این شهر آسیب‌های بسیاری دید ولی در دوره‌ی ایلخانان برای مدت کوتاهی به علت راه‌های تجاری رونق خود را به دست آورد ولی دوباره با حمله‌ی تیمور، به علت تحولات تاریخی و سیاسی منطقه به تدریج مورد حمله و غارت اقوام مختلف قرار گرفت به طوری که این عوامل اجتماعی، سیاسی و به خصوص جریان‌های فکری منطقه باعث افول این شهر تاریخی شد و بعد از حمله‌ی افغان‌ها شهر کاملاً از بین رفت.

کتابنامه

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۵۰)، الکامل فی التاریخ، ترجمه عباس خلیلی، ج ۱، تهران: نشر کتاب.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۴)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن رسته اصفهانی، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، الاعلاق النفیسه، ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اشرف، احمد، (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره‌ی اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، ۷-۴۹.
- اشمیت، اریک (۱۳۷۶)؛ پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، ترجمه‌ی آرمان شیشه‌گر، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴)، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: انتشارات سروش، چ ۲.

- پازوکی طرودی، ناصر (۱۳۷۶)، استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی، تهران: انتشارات طوس.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- توحیدی، کلیم‌الله (۱۳۸۴)، اسفراین: دیروز. امروز. مشهد: انتشارات واقفی.
- جوینی، عطا ملک (۱۳۲۹ق/۹۱۱م)، تاریخ جهانگشای، جلد اول، تصحیح محمد قزوینی، لیدن: بریل.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۰)، جغرافیای خراسان در تاریخ حافظ ابرو، تصحیح و تعلیق غلام‌رضا ورهرام، تهران: نشر اطلاعات.
- حبیبی، س.م. (۱۳۸۴)، از شار تا شهر، تهران: انتشارات تهران.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۷۲)، تعلیق مینورسکی، ترجمه‌ی مقدمه و تعلیقات میرحسین شاه، تصحیح مریم میراحمدی و غلام‌رضا ورهرام، تهران: دانشگاه الزهرا.
- حموی، یاقوت (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه‌ی علینقی منزوی، ج ۱، بخش نخست، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات نگاه.
- روشنی زعفرانلو، قدرت‌الله (۱۳۶۶)، اسفراین - بلقیس، در کتاب شهرهای ایران، به‌کوشش محمدیوسف کیانی، ج ۲، تهران: جهاد دانشگاهی تهران.
- سمرقندی (۱۳۳۷)، تذکره الشعراء، تحقیق و تصحیح محمد عباس، تهران: انتشارات بارانی.
- شاهد، احمد (۱۳۶۹)، «موقوفات اسفراین و بند مهار»، مجله آینده، س ۱۶، مرداد تا آبان، ش ۵ تا ۸.
- عبدی، کامیار (۱۳۷۹)، مبانی نظری باستان‌شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فدایی، سید احمد (۱۳۷۳)، جغرافیای شهرستان اسفراین، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فریور صدری، بهرام (۱۳۸۰)، «بافت و ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران»، مجموعه مقالات دومین کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فسنقری، غلام‌رضا و احمد شاهد (۱۳۸۱)، مشاهیر و رجال اسفراین.
- کلاویخو (۱۳۷۴)، سفرنامه‌ی کلاویخو، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۳.
- کوئن، بروس (۱۳۸۴)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلام‌علی توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

- کیانی، یوسف و تفضلی، احمد (۱۳۷۴)، شهرهای ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳)، ایرانشهر (بر مبنای جغرافیای موسی خورنی)، ترجمه‌ی مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزهه القلوب، ترجمه‌ی محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات طهوری.
- مقدسی (۱۳۶۱)؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه‌ی علینقی وزیر، تهران: نشر کاویان.
- منجم، ملاجلال (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه‌ی ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا.
- منشی، اسکندربیگ (۱۳۷۷)، عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۱-۲، تهران: دنیای کتاب.
- نیک‌گفتار، احمد و بهنام‌فر، محمدحسن (۱۳۸۷)، معرفی و شناسایی سکه‌های ضرب‌شده در شهر اسفراین، مشهد: انتشارات راهیان سبز.
- نیک‌گفتار، احمد (۱۳۹۲)، «نتایج فصل پنجم کاوش‌ها در شهر بلقیس (اسفراین کهن)»، همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند.
- _____ (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی اسفراین در دوران اسلامی؛ پژوهش‌های باستان‌شناختی شهر بلقیس، بجنورد: انتشارات اداره‌ی کل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان خراسان شمالی.
- _____ (۱۳۸۷)، «بررسی باستان‌شناختی پهنه فرهنگی شهر اسفراین در دوران اسلامی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- وحدتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، گزارش گمانه‌زنی برای تعیین حریم شهر بلقیس، اسفراین، تهران: بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور.
- وحدتی، علی‌اکبر و نیک‌گفتار، احمد (۱۳۸۸)، تاریخ سیاسی اسفراین در دوران اسلامی، پژوهش‌های باستان‌شناختی در شهر بلقیس (اسفراین کهن)، بجنورد: انتشارات اداره‌ی کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خراسان شمالی.
- _____ (۱۳۸۹)، نقش راه‌های تجاری در شکوفایی و افول اسفراین، بجنورد: انتشارات اداره‌ی کل سازمان میراث فرهنگی استان خراسان شمالی.
- ورجوند، پرویز (۱۳۷۰)، شهرسازی و شهرنشینی در ایران، شهرهای ایران، گردآوری محمدیوسف کیانی، ج ۴، تهران: جهاد دانشگاهی.

یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۴)، «تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده های میانه تاریخ ایران»، فصلنامه فرهنگ، ش ۵۶، ۲۱۷-۲۶۱.

ییت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه‌ی قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران: نشر یزدان.

Investigation the evolution of the Old Esfaraen in Islamic period with emphasis on the spatial structure

Bitā Sodāei¹- Mohamad Mohamadi²

Abstract

Esfaryn is one of the major cities in Khorasan, which is located on communication the east-west. One of the major cities of the Islamic period in North Khorasan is the city of Esfarayn. The largest and most ancient settlement of this area is the remnants of the Islamic city of old Esfarayn, It is known as the Belgique city in the last century. The town of old Esfarayen (Belghis) is located three kilometers south of the present-day Esfarayn and covers an area of 200 hectares, and includes old spaces such as the castle, tower, downtown, ditch and Tape Monar. Unfortunately, most of the inland infrastructure is flattened by farmers and buried under the soil. Some of these architectural structures have been discovered in archaeological excavation. Studies of the history of cities and the study of the formation, expansions, and decline of them are from the most important issues of historical and Islamic period. Therefore, studying the spatial structure of the city reflects all the factors that played a role in its formation, formation, and decline. This paper aims at identifying the effective factors in the spatial structure of Esfarayen city by using the descriptive-analytical method with the help of written sources and archaeological data to identify and analyze the process of formation, expansion, and decline of the city of Esfarayn (Balqis). The results of this research show that the main foundation of this city was based on the Sassanid era and the natural factors and socio-economic and political of the city were the main factors in the development of this city in Islamic periods, But since the Timurid period, the military factor, especially the attacks of Uzbeks and Afghans, has had a profound impact on the deterioration of the spatial structure of the city.

Keywords: Urban Development, Space structure, Esfaraen, Belqise, Sasanian era.

¹ Department of Archaeology, College of human Science, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad university

² Department of Archaeology, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University